

بخش دوم

اصلاح قانون مربوط به مسؤولیت رییس جمهور  
در اجرای قانون اساسی

GD000415

## دادگاه عالی صیانت از قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۲۳۶۸

جناب آقای دکتر مهرپور

تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲۵

مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام  
گرددش کار شماره ۱۱۷/۲۲۸۴ مورخ ۱۷۹/۳/۲۲ این دفتر و سوابق آن در خصوص دادگاه عالی صیانت از قانون اساسی، که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور  
جاءد که مسأله به صورت اساسی بررسی و بررسی‌های پیشین پیگیری شود. به هر حال ضمانت اجرای مسؤلیت اجرای قانون اساسی چیست؟ شاید لازم باشد در حدود اختیارات رئیس جمهور بازنگری و در صورت لزوم لایحه‌ای برای تصویب به مجلس تقدیم شود. به هر حال بررسی فرمایید.»

تبدیل‌شده علی ابطحی

بسمہ تعالیٰ

شماره ۷۹-۲۱۵۱

تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۱

حضرت حجۃ الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام

عطف به پی‌نوشت ذیل نامه شماره ۲۳۶۸-۷۹/م مورخ ۷۹/۳/۲۵، موضوع دادگاہ صیانت از قانون اساسی چند سال پیش نیز مطرح بود و در هیأت هم مقداری مورد بحث قرار گرفت و به نظر تشکیل چنین دادگاهی که دادگاہ اختصاصی است مغایر قانون اساسی می‌باشد، از آن‌جا که جدیداً با ملاحظه گزارش تقدیمی خدمتتان، نظرتان به این موضوع جلب شده است، جهت استحضار از بحث‌های مربوط به تشکیل دادگاہ صیانت از قانون اساسی، بخش پایانی مقاله: «مسئولیت رییس‌جمهور در اجرای قانون اساسی و جایگاه هیأت پیگیری و نظارت» که در سال ۱۳۷۶ توسط این‌جانب نگارش یافته و در سمینار: «قانون اساسی و مسئولیت اجرای آن» ارایه و در مجله راهبرد نیز منتشر شده است و بالنسبه بحث تفصیلی و اندکی هم تطبیقی در مورد این دادگاہ به عمل آمده حضورتان تقدیم می‌گردد. با ملاحظه این دیدگاہ هر گونه نظرتان باشد، اعلام فرمایید موضوع پیگیری شود؛ تصور می‌کنم اگر صلاح و مناسب بدانید موادی اصلاحی یا الحاقی به قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های رییس‌جمهور مصوب سال ۱۳۶۵ تهیه شود و در آن تشکیل هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی از سوی رییس‌جمهوری و لزوم پاسخگویی دستگاہ‌های مختلف وفق قانون مزبور به هیأت پیش‌بینی گردد. تا شبیه موقعیت قانونی که برخی ایجاد می‌کنند مرتفع گردد. در عین حال مناسب است اگر صلاح بدانید در جلسه حضوری نوبتی که هیأت با حضرت عالی خواهند داشت راجع به این دو موضوع مقداری بحث و مذاکره به عمل آمده و نظر حضرت عالی اخذ شود.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## دادگاه صیانت از قانون اساسی

چندی است نظریه‌ای مطرح است که برای صیانت از قانون اساسی و تضمین حفظ و حراست از آن، باید دادگاهی تشکیل شود که به موارد نقض و تجاوز از قانون اساسی رسیدگی کند و با تعقیب و کشف موضوع، متخلفین را تحت پیگرد قرار داده و آن‌ها را به مجازات برساند. تاکنون دو طرح به مجلس شورای اسلامی ارایه شده، طرح اول مربوط به دوره چهارم مجلس است که در سال ۱۳۷۲ تقدیم مجلس شد و در آن پیش‌بینی شده، دادگاه قانون اساسی مرکب از یک رییس و دو مستشار است که از بین قضات واجد شرایط تصدی دادگاه عالی انتظامی قضات، توسط رییس قوه قضاییه منصوب می‌شوند و یک هیأت عالی تجدیدنظر مرکب از رییس جمهور، رییس قوه قضاییه، یک نفر از فقهای شورای نگهبان، یک نفر از حقوق‌دانان شورای نگهبان و رییس دیوان عالی کشور پیش‌بینی شده بود که به عنوان مرجع رسیدگی به تجدیدنظر آراء دادگاه صیانت از قانون اساسی عمل کند. طرح دوم در دوره پنجم مجلس و در سال ۱۳۷۶ تقدیم مجلس شد که هم‌اکنون در مجلس موجود است ولی مدتی است بخشی پیرامون آن صورت نمی‌گیرد. طبق طرح اخیر دادگاه عالی مرکب از یک رییس و دو عضو و احیاناً یک عضو معاون است که از بین قضات عالی‌رتبه به پیشنهاد رییس قوه قضاییه و تأیید مقام معظم رهبری منصوب می‌شوند و مرجع تجدیدنظر آن هیأتی است مرکب از رییس قوه قضاییه، رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور.

در هر دو طرح، دادگاه عالی صیانت از قانون اساسی، در واقع یک دادگاه عالی کیفری اختصاصی محسوب می‌شود که به اتهام نقض اصول قانون اساسی از سوی مسؤلین رسیدگی می‌کند و مرتکبین را به مجازات‌هایی از قبیل انفصال و حبس محکوم می‌نماید. مفهوم دادگاه قانون اساسی در قوانین اساسی کشورهای مختلف - تقریباً می‌توان گفت در اکثر قوانین اساسی کشورهای مختلف به نوعی نسبت به نحوه صیانت از قانون اساسی و جلوگیری از نقض اصول آن، تمهیداتی اندیشیده شده است، نگرانی‌ها بیشتر مربوط به تصویب قوانین عادی یا فرامین و دستورالعمل‌های اجرایی مغایر قانون اساسی است و مراجعی برای بررسی این موضوع و جلوگیری از تصویب قوانین و فرامین خلاف

قانون اساسی یا ابطال آن‌ها پیش‌بینی شده است. به طور کلی می‌توان گفت سه نوع مرجع مختلف برای این منظور در قوانین اساسی دنیا به چشم می‌خورد.

(۱) بالاترین مرجع عادی قضایی: در قانون اساسی بعضی از کشورها مرجع تشخیص و انطباق قوانین عادی و یا فرامین و دستورالعمل‌های قانونی با قانون اساسی، دیوان عالی کشور است که بالاترین مرجع قضایی عادی کشور می‌باشد، برای مثال قانون اساسی ژاپن، در اصل ۸۱، دیوان عالی کشور را آخرین مرجع قضایی و مسئول تشخیص انطباق قوانین، فرمان‌ها، مقررات و تصویب‌نامه‌ها با قانون اساسی می‌داند. قانون اساسی مالزی نیز در اصل ۱۲۸ تقریباً چنین صلاحیتی را با بیانی دیگر برای دیوان عالی کشور شناخته است. همچنین قانون اساسی فیلیپین در شق ۲ بند ۲ اصل ۱۰ بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد انطباق عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌های دولتی و قوانین را با قانون اساسی در صلاحیت دیوان کشوری می‌داند.

در برخی از کشورها به طور کلی این صلاحیت به دادگاه‌ها داده شده است که از اجرای قوانین مصوب مجلس مغایر قانون اساسی، خودداری نمایند. ماده ۱۴ از فصل ۱۱ قانون اساسی سوئد این صلاحیت را برای دادگاه‌ها به رسمیت شناخته است. می‌توان گفت همان صلاحیتی که اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای دادگاه‌ها شناخته است، که می‌توانند و بلکه مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مخالف قوانین خودداری کنند، قانون اساسی سوئد در رابطه با قوانین مصوب مجلس نیز این صلاحیت را برای دادگاه قائل شده است.

(۲) نهاد غیرقضایی مستقل: در برخی از کشورها، طبق قانون اساسی یک نهاد خاص غیرقضایی و مستقل در کنار قوه قضاییه ایجاد شده که وظیفه انطباق مصوبات مجلس و قوانین لازم‌الاجرای دولتی را با قانون اساسی به عهده دارد. نمونه روشن و مشخص این وضعیت را می‌توان در قانون اساسی فرانسه دید. طبق اصل ۵۶ قانون اساسی فرانسه شورایی به نام «شورای قانون اساسی» (Le Conseil Constitutionnel) مرکب از نه نفر، سه نفر به انتخاب رئیس جمهور، سه نفر به انتخاب رئیس مجلس ملی و سه نفر به انتخاب رئیس مجلس سنا تشکیل می‌شود. رؤسای جمهور سابق نیز خود به خود مادام‌العمر

عضو این شورا هستند. وظیفه شورای مزبور بررسی انطباق قوانین مصوب مجلس با قانون اساسی و نیز نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و همه‌پرسی می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز چنان که بعداً خواهیم دید، همین روش را اتخاذ کرده است.

۳) دادگاه خاص قانون اساسی: در قوانین اساسی بسیاری از کشورها دادگاه‌های خاص به نام «دادگاه قانون اساسی» یا «دیوان قانون اساسی» پیش‌بینی شده که وظیفه عمده آن بررسی انطباق قوانین عادی و فرامین دولتی با قانون اساسی است، در برخی از قوانین، تفسیر قانون اساسی، وظیفه نظارت بر انتخابات و احیاناً محاکمه بعضی از مقامات مانند رییس جمهور نیز به عهده چنین دادگاهی گذاشته شده است. در بعضی از قوانین اساسی به طور نسبتاً مفصل به طرز تشکیل این نوع دادگاه و وظایف آن اشاره شده و تفصیل موضوع به قوانین عادی محول شده است. به عنوان نمونه به چند قانون اساسی که وجود چنین دادگاهی را پیش‌بینی کرده‌اند اشاره می‌شود:

آلمان - طبق اصل ۹۳ قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان، دادگاه قانون اساسی فدرال وظیفه تفسیر قانون اساسی و رسیدگی به شکایات مربوط به عدم انطباق قوانین عادی با حقوق اساسی مندرج در قانون اساسی را به عهده دارد.

ترکیه - قانون اساسی ترکیه نیز در اصل ۱۲۶ وجود دادگاه قانون اساسی را مرکب از ۱۱ عضو اصلی و ۴ عضو علی‌البدل اعلام می‌کند و طبق اصل ۱۴۸ وظیفه اصلی دادگاه قانون اساسی بررسی انطباق قوانین عادی و فرامین و مقررات لازم‌الاجرا با قانون اساسی است.

مصر - طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی مصر، دادگاه عالی قانون اساسی، یک دادگاه قضایی مستقل است که مقر آن شهر قاهره می‌باشد و طبق اصل ۱۷۵ دادگاه قانون اساسی بررسی انطباق قوانین با قانون اساسی و نیز تفسیر قوانین را بر عهده دارد و ممکن است قانون و وظایف دیگری نیز برای آن تعیین نماید.

سوریه - اصل ۱۳۹ قانون اساسی سوریه مقرر می‌دارد که دادگاه عالی قانون اساسی مرکب از پنج عضو است که به وسیله رییس جمهور تعیین می‌شوند. طبق اصول ۱۲۲ و

۱۲۵ رسیدگی به اعتراضات مربوط به انتخابات مجلس ملی و تأیید صحت آن و نیز بررسی انطباق قوانین با قانون اساسی، در صلاحیت دادگاه عالی قانون اساسی است. نکته جالب این است که طبق اصل ۱۴۶ دادگاه عالی قانون اساسی نمی‌تواند نسبت به قوانینی که از سوی رییس جمهور به همه‌پرسی ارجاع شده و به تصویب ملت رسیده است، بررسی و اظهار نظر نماید.

ایتالیا - قانون اساسی ایتالیا، هم در اصل ۱۳۴ ذیل عنوان تصمیمات قانون اساسی، وجود دادگاه قانون اساسی را اعلام و سه وظیفه اصلی را برای آن ذکر می‌کند که عبارتند از: بررسی انطباق قوانین و مقررات قانونی با قانون اساسی، تعارضات بین دولت و مناطق. رسیدگی به اتهامات وارده به رییس جمهور که در مورد اخیر تحت شرایط و ضوابط خاصی رسیدگی می‌کند.

کویت - قانون اساسی کویت در اصل ۱۷۳ فقط تشکیل دادگاه قانون اساسی را برای بررسی انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی پیش‌بینی می‌کند ولی چگونگی تشکیل و نحوه عمل آن را به قانون عادی موکول می‌نماید.

به طوری که ملاحظه می‌شود در این چند نمونه قانون اساسی که در این جا ذکر شد، تعیین و تشکیل مرجع رسیدگی‌کننده به انطباق قوانین با قانون اساسی صریحاً در خود قانون اساسی پیش‌بینی شده است و هر چند ما در این جا استقراء تام و کاملی در قوانین اساسی دنیا به عمل نیاوردیم و طبعاً نمی‌توان به نتیجه کلی قطعی دست یافت ولی در عین حال می‌توان این استنباط را داشت که اصولاً تعیین و تشکیل مرجعی که بخواهد، در زمینه انطباق قوانین و مقررات قانون اساسی رسیدگی نموده و نظر بدهد، خواه در شکل یک نهاد غیرقضایی و یا به عنوان دادگاه خاص و یا حتی با دادن صلاحیت به دادگاه‌های عمومی یا دیوان کشور، باید به نحوی در قانون اساسی ذکر شده باشد و بدون ذکر در قانون اساسی به صورت تفصیل یا اجمال از طریق دیگر، مرجعی برای این منظور نمی‌تواند تشکیل شود.

مرجع صیانت از قانون اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - در بین سه روش ذکر شده در فوق، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از روش دوم پیروی

کرده و مشی قانون اساسی فرانسه را پیش گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک نهاد غیر قضایی خاص و مستقل به نام شورای نگهبان پیش‌بینی کرده است و وظیفه انطباق قوانین عادی با قانون اساسی و تفسیر قانون اساسی و نیز نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و مجلس خبرگان و مجلس شورا و همه‌پرسی را به عهده آن گذاشته است (اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی) به علاوه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسؤولیت اجرای قانون اساسی طبق اصل ۱۱۳ به عهده‌ی رییس جمهور گذاشته شده است که با عنایت به وجود اصل این مطلب در قانون اساسی، قانون عادی می‌تواند تفصیل آن را بیان کند، همان‌طور که در بخش‌های پیشین مشروحاً به آن پرداختیم، قانون عادی مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی تا حدودی این امر را انجام داده است. در هیچ یک از اصول قانون اساسی صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد انطباق قوانین عادی با قانون اساسی به دادگاه‌های دادگستری یا مشخصاً دیوان عالی کشور داده نشده و تشکیل دادگاه خاص قانون اساسی نیز نه تلویحاً نه تصریحاً پیش‌بینی نگردیده است. چنانکه دیدیم در کشورهایی که قانون اساسی آن‌ها دادگاه خاص قانون اساسی را پیش‌بینی کرده، اصولاً کار دادگاه یک کار تشخیصی است که البته بر این تشخیص ترتیب اثر داده می‌شود. ولی وظیفه تعقیب و محکوم کردن و تعیین مجازات افراد خاطی و متخلف به آن داده نشده است البته در بعضی موارد مانند آنچه در قانون اساسی ایتالیا آمده، محاکمه بعضی مقامات مثل رییس جمهوری نیز به آن داده شده که در آن صورت با ترکیب خاص و آیین دادرسی ویژه‌ای این محاکمه را انجام می‌دهد، ولی در این مورد هم چنین نیست که محاکمه رییس جمهور به عنوان تخلف از قانون اساسی در این دادگاه بررسی شود بلکه رسیدگی به اتهامات رییس جمهوری به لحاظ موقعیت مقامی وی در این دادگاه اختصاصی صورت می‌گیرد.

به هر حال، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آنچه مربوط به تشخیص انطباق یا عدم انطباق قوانین عادی با قانون اساسی و تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخابات و همه‌پرسی می‌شود به عهده شورای نگهبان است. و اقدامات لازم اجرایی مربوط به اجرای قانون اساسی به عهده رییس جمهوری است. پس نمی‌توان دادگاهی



بنام دادگاه قانون اساسی تشکیل داد که به این امور پردازد. اما در زمینه تعقیب و محاکمه و تعیین مجازات نیز باید گفت، اگر تخلف و تجاوز به قانون اساسی جرم باشد، مرجع رسیدگی جرایم و حکم به مجازات برای همه و در همه زمینه‌ها، دادگاه‌های عمومی دادگستری هستند، طبق اصل ۱۴۰ قانون اساسی رسیدگی به اتهام رییس جمهور و معاونان و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود و اگر جرم سیاسی محسوب شود، مرتکب آن هر کسی باشد، طبق اصل ۱۶۸ مرجع رسیدگی آن محاکم دادگستری و با حضور هیأت منصفه است. در مورد تخلف رییس جمهور از وظایف قانونی‌اش که از جمله می‌تواند تخلف از قانون اساسی باشد، طبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی دیوان عالی کشور صلاحیت رسیدگی دارد و اگر دیوان کشور حکم به تخلف داد، رهبر می‌تواند با در نظر گرفتن مصالح کشور او را عزل کند طبعاً اگر در این مورد هم تخلف، جرم محسوب شود از حیث رسیدگی به جرم و تعیین مجازات دادگاه‌های عمومی صالح به رسیدگی هستند. از اصول مختلف قانون اساسی و به خصوص اصل ۱۷۲ به خوبی استفاده می‌شود که قانون اساسی، موافق تشکیل دادگاه‌های اختصاصی نیست و فقط در مورد جرایم خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح و نیروی انتظامی تشکیل محاکم اختصاصی نظامی مجاز شمرده شده است.

بنابراین می‌توان گفت تشکیل دادگاه عالی صیانت قانون اساسی که یک دادگاه اختصاصی تلقی می‌شود، از آن‌جا که تصریحاً در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است، نمی‌تواند با قانون عادی ایجاد شود و مصوبه‌ای که بخواهد چنین دادگاهی را ایجاد کند شبیه قوی مغایرت با قانون اساسی دارد، ضمن این که مفید بودن عملی تشکیل این دادگاه با توجه به تجربه ناموفقی که تاکنون از تکثیر نهادهای مختلف داشتیم، قویاً مورد تردید است.

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۲۸۶۳

تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۷

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه شماره ۲۱۵۱-۷۹/م مورخ ۷۹/۲/۱۱ و سوابق آن در خصوص دادگاه صیانت از قانون اساسی، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

با تشکر، به نظرم پیشنهاد ذیل گزارش (تهیه مواد اصلاحی یا الحاقی به قانون تعیین حدود...) بسیار لازم است. سریعاً اعمال شود. ضمناً لازم است برادر دانشمندمان جناب آقای هاشم زاده هریمی هم به عنوان عضو هیأت نظارت و پیگیری اجرای قانون اساسی بر اعضاء اضافه شوند تا از نظر و تجربه ایشان بهره گیری شود در این مورد با دفتر هماهنگی شود.»

سید محمد علی ابطحی

در حضور ریاست محترم جمهوری در جلسه مورخ چهارشنبه ۷۹/۴/۲۹ موضوع مطرح شد و در نتیجه قرار شد حکم عضویت آقای هاشم زاده هریمی در هیأت از سوی ریاست جمهوری صادر شود. در خصوص تهیه اصلاحیه قانون تعیین حدود اختیارات ریاست جمهوری پس از مذاکرات خود آقای رییس جمهور به این جمع بندی رسیدند که فعلاً مسکوت بماند و در این زمینه اقدامی صورت نگیرد.

مهرپور

۷۹/۴/۲۹

## نامه هیأت به رئیس‌جمهور در مورد پیش‌نویس لایحه اصلاحی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۷۱۷

تاریخ ۱۳۸۱/۶/۱۷

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

به پیوست پیش‌نویس طرح الحاق چهار ماده به قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور که در جلسه روز گذشته هیأت (۸۱/۶/۱۶) مورد قبول اکثریت اعضاء حاضر هیأت قرار گرفت و با شماره ۱ مشخص شده است جهت ملاحظه و هر گونه اقدام حضورتان ارسال می‌گردد.

تصویر سه نمونه پیش‌نویس دیگر نیز خدمتتان ارسال می‌شود که با شماره‌های ۲، ۳ و ۴ مشخص شده است.

پیش‌نویس شماره ۲، قانون جامع و کامل در مورد حدود اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی است که در سال پیش تهیه و به نظرتان هم رسیده و هم اکنون اصلاحات در ماده ۱۰ آن در جهت دادن ضمانت اجرای بیشتر به تشخیص رئیس‌جمهور به عمل آمده است.

پیش‌نویس شماره ۳، اصلاحیه مواد ۱۲ و ۱۴ قانون موجود یعنی قانون سال ۱۳۶۵ است که با اضافه نمودن عبارتی ذیل ماده ۱۲ هم به وجود هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی به صراحت قانونی، رسمیت می‌بخشد و هم دستگاه‌ها را ملزم به همکاری می‌نماید و اصلاحاتی متناسب در ماده ۱۴ به عمل آمده است که از جمله ضمانت اجرایی برای تشخیص رئیس‌جمهور ذکر شده است. پیش‌نویس شماره ۴، ماده واحده‌ای است که فارغ از پرداختن به قانون موجود سال ۱۳۶۵ صرفاً راهکارهایی برای ضمانت اجرایی تشخیص رئیس‌جمهور ذکر کرده است.

وجه مشترک هر سه پیش‌نویس (شماره‌های ۲، ۳ و ۴) این است که در ارتباط با تصمیمات و اقدامات اداری صادره از هر یک از قوا از جمله قوه قضاییه، به رییس‌جمهور اجازه داده شده که دستور توقیف یا ابطال تصمیمات را صادر نماید. ولی در ارتباط با تصمیمات قضایی از آن‌جا که تأکید و تصریح جناب‌عالی در مصاحبه‌هایتان نیز بر این بوده که در محدوده قانون اساسی موجود خواهان اعمال اختیار هستید و در محدوده قانون اساسی موجود به نظر این‌جانب نمی‌رسد که به هیچ‌عنوان بتوان به مقامی خارج از قوه قضاییه اجازه ابطال یا متوقف کردن تصمیم قضایی را داد ولو این‌که مرجع دیگری برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی پیش‌بینی شود، و در اظهارات هیچ‌یک از حقوق‌دانان حتی کسانی که از تصمیمات جاری دستگاه قضایی ناراضی و منتقد هستند چنین تجویزی ندیدم، از این رو چنین اختیاری برای رییس‌جمهور، در این پیش‌نویس‌ها پیش‌بینی نشده است.

تنها چیزی که به نظرمان رسید می‌توان برای رییس‌جمهور قائل شد و به نحوی هم ممکن است از آن دفاع نمود این است که رییس‌جمهور هم هر چند از مقامات قضایی نیست ولی قانون این تجویز را بنماید که اگر حکم قطعی شده‌ای را مغایر قانون اساسی تشخیص داد بتواند از طریق دادستان کل کشور درخواست نقض آن حکم را از دیوان کشور بنماید و با درخواست دادستان کل، اجرای حکم موقوف شود.

همان‌گونه که قانون وظایف و اختیارات ریاست قوه قضاییه اصلاحی سال ۱۳۷۸ به رییس قوه قضاییه این اختیار را داده که اگر حکم قطعی را خلاف شرع تشخیص داد حق دارد جهت رسیدگی به مرجع صالح ارسال دارد.

نظر و توصیه شخصی و خیرخواهانه این‌جانب، این است که حال که جناب‌عالی تصمیم دارید لایحه‌ای به مجلس تقدیم نمایید، پیش‌نویس کامل با عنوان: قانون نحوه اجرای مسؤولیت رییس‌جمهور (شماره ۲) برای ارسال به مجلس مبنا قرار دهید و البته کمیسیون لوایح دولت می‌تواند بررسی دقیق‌تری روی آن بنماید و اگر اصلاحاتی لازم است با جلب نظر برخی حقوق‌دانان معتبر دیگر بنماید و در این زمینه نظر شریف‌تان را به اصلاحی که در ماده ۱۰ به عمل آمده و در ذیل بند الف ماده مزبور و نیز افزودن بند ج به

آن ماده مشهود است جلب می‌نمایم. در ذیل بند الف به رئیس جمهور اجازه داده شده که تصمیمات اداری و اجرایی قوه قضاییه را اگر خلاف قانون اساسی تشخیص داد ابطال نماید.

اگر هم نظر تان بر اختصار است پیش‌نویس شماره ۲ یعنی اصلاحیه مواد ۱۳ و ۱۴ را توصلیه می‌کنم.

ولی با همه ایمانی که به حسن نیت و خیرخواهی و دلسوزی حضرت‌عالی برای احقاق حقوق مردم و اجرای صحیح قانون اساسی به خصوص بخش مربوط به حقوق ملت دارم و رنجی که از صدور برخی از تصمیمات و احکام قضایی فاقد استحکام لازم و رعایت اصول قانون اساسی و حقوق مردم می‌برم، از باب المستشار مؤتمن، تقدیم لایحه‌ای از سوی جناب‌عالی به مجلس که در آن به رئیس‌جمهور اجازه دهد تصمیم قضایی را خارج از طریق رسیدگی قضایی متوقف نماید صلاح نمی‌دانم در عین حال الامرائیک فانظری ماداً تأمرین هر چه مصلحت می‌دانید اقدام فرمایید.

حسین مهربور

مشاور رئیس جمهور

و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی